

## درباره امنیت‌شناسی

### (از حق بر امنیت تا حق بر تأمین)

#### (دیباچه)

۱. حق بر امنیت<sup>۱</sup> (امنیت جسمانی - مالی) امروزه یکی از حق‌های بنیادین مردم محسوب می‌شود که اگر چه در منشور بین‌المللی حقوق بشر یا در قوانین اساسی کشورها ماده یا اصلی صراحتاً به آن اختصاص نشده است، ولی تضمین آن از تکالیف بدیهی<sup>۲</sup> دولت‌ها به حساب می‌آید. زیرا در سایه تأمین امنیت روزانه است که شهروندان می‌توانند از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی خود برخوردار شوند و آنها را در فضای امن اعمال کنند. دولت‌ها، به نام و برای تأمین امنیت اشخاص و اموال در برابر بزهکاران و ناقضان قانون از قوای قهرآمیز و غیرقهرآمیز استفاده می‌کنند. در این چارچوب، نظام پیشگیری و نظام کیفری، به عنوان ابزارهای اصلی دولت‌های مبتنی بر قانون و تابع قانون،<sup>۳</sup> برای تحقق بخشیدن به این امنیت تدارک و به مناسب استفاده می‌شوند. امنیت جسمانی - مالی - حیثیتی افراد اصولاً از طریق جرم انگاری موارد نقض آن در مقررات تقیینی تضمین می‌شود: به عنوان مثال، می‌توان به قانون حفظ امنیت اجتماعی<sup>۴</sup> ۵۵۱۱۳، قانون مجازات مقدمین بر علیه امنیت و استقلال مملکت، ۱۳۱۰ قانون راجع به مجازات حمل چاقو و انواع سلاح سرد و اخلال در نظم و امنیت و

---

#### 1. Le droit à la sécurité - The Right to Security

۲. در برابر افزایش میزان بزهکاری خشونت آمیز، سازمان یافته و همزمان جهانی شدن بعضی از اشکال بزهکاری که در کنار جرایم محلی - ملی تهدیدهای مجرمانه فراممی برای نظم عمومی داخلی کشورها تأثی می‌شود و به دنبال افزایش مطالبات امنیت توسط مردم، آن هم در بستر اجتماعی - اقتصادی بحرانی، دولت‌ها بیش از پیش هدف غایی سیاست جنایی، یعنی تضمین امنیت جانی - مالی مردم را به عنوان یک حق بنیادی ارتقاء داده اند و آن را در قوانین داخلی خود وارد کرده‌اند. به عنوان گذار فرانسه در قانون جهت‌گیری و برنامه‌ریزی راجع به امنیت مصوب ۲۱ ژوئن ۱۹۹۵ مقرر کرد که «تضمين امنیت تکلیف دولت است» و سپس چند سال بعد در ماده ۱ قانون امنیت داخلی ۱۸ مارس ۲۰۰۳ مقرر نمود که «امنیت یک حق بنیادین و یکی از شرایط لازم برای اعمال آزادی‌های فردی و گروهی است». رک

Lazerges, ch., Dédoublement de la Procédure Pénale et garantie des droits fondamentaux, In, Les droits et Le Droit, Mélanges dédiés à Bernard Bouloc, Dalloz, 2007, pp.575 – 576 .

3. État de droit

۲. در حوزه جرم‌شناسی نیز دل نگرانی تأمین امنیت جانی و مالی شهروندان، به ویژه امنیت شهروندان آسیب‌پذیر و بزه‌دیدگان بالقوه، مبنای نحله‌های جدیدی مانند عدالت تخمینی، سنجشی، مدیریت ریسک جرم و تکرار جرم یا جرم‌شناسی نو - کفرشناسی نو واقع شده است. رویکردهای امنیت مدار جرم‌شناسی، در سال‌های اخیر مبنای علمی راهبرد افتراقی و دست کم دوگانه شدن سیاست جنایی بر پایه گونه‌شناسی بزهکاران و جرائم واقع شده است. مدیریت ریسک تکرار جرم بزهکارانِ مُزمن و ریسک ارتکاب جرم افراد خطرناک با سازوکارهای کفری طرد و توانگیری و جرم شناختی پیشگیری وضعی (به ویژه از گونه‌فن آورانه آن) تضمین امنیت داخلی را هدف اصلی خود قرار داده است.

۳. بدین ترتیب است که در آغاز سده بیست و یکم، بعضی جرم‌شناسان کانادایی، فرانسوی، سویسی و بلژیکی مطالعات و تحقیقات تجربی خود را بر جنبه‌های مختلف امنیت داخلی که دولتها به تنها و اخیراً با مشارکت پلیس خصوصی در مقام تأمین آن بر می‌آیند، متمرکز کرده‌اند. حاصل یکی از این مطالعات به صورت ۴۶ مقاله در کتابی با عنوان «رساله امنیت داخلی»<sup>۱</sup> گردآوری، چاپ و منتشر شده است. مقاله‌ها در شش بخش تنظیم شده که عنوان هریک از این بخش‌ها به نوعی گویای جهت‌گیری سیاست جنایی مطلوب این جرم‌شناسان و محتوای تحقیقات انجام شده است: شناخت امنیت و اندیشه‌یدن درباره آن (ماهیت امنیت داخلی)، تهدیدها - راهکارها (اشکال عملده بزهکاری)، - اطلاعات و تحلیل آن («اطلاعات جنایی» در حوزه جرائم و مجرمان)، پیشگیری از جرم، سرکوبی و تحقیقات (پلیس و تحقیقات جنایی) و سرانجام حفظ نظام و مدیریت بحران‌ها. کوشش و دوپن در مقدمه کتاب، امنیت داخلی را «اقدام و فعالیتی می‌دانند که کنشگران خط اول به منظور حفاظت از همسه‌رondان خود در برابر خطرهای مرتبط با زندگی در جامعه، تدارک می‌بینند و انجام می‌دهند.» به نظر استاد گسن، این تعریف، مبتنی بر چهار رکن است: نخست، امنیت داخلی نوعی اقدام و فعالیت است؛ دوم، این اقدام وظيفة مقام‌ها و کنشگران خط اول، یعنی پلیس، خواه

آسایش عمومی ۱۳۳۶، قانون مجازات اخلال‌کنندگان در امنیت پروراز هواییما و خرابکاری در وسائل و تأسیسات هواییما ۱۳۴۹ و ... در حقوق ایران اشاره کرد. امنیت، به لحاظ جایگاه و اهمیتی که قانون گذاران و دولتها برای آن قائل می‌شوند، در عنوان قوانین کفری خاص - به شرحی که در قوانین پیش گفته آمد - آورده می‌شود و در بخش جرائم قانون مجازات (بخش حقوق کفری اختصاصی آن) فصل مستقلی به خود اختصاص می‌دهد، به طوری که دولتها امنیت‌گرا، بخش اختصاصی قانون مجازات خود را با فصل یا باب راجع به جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور شروع می‌کنند.

تأکید بر امنیت در موافقتنامه‌های همکاری میان دولتها، خود دغدغه کشورها را در تضمین آن نشان می‌دهد. در این خصوص می‌توان، به عنوان نمونه، به موافقتنامه همکاری امنیتی بین دولت ایران و شورای وزیران بوسنی و هرزگوین (۱۳۸۷/۵/۲۰)، قانون موافقتنامه همکاری امنیتی میان ایران و دولت پادشاهی بحرین (۱۳۸۸/۱۰/۸) و قانون موافقتنامه همکاری امنیتی میان دولت ایران و دولت کویت (۱۳۸۸/۱/۵) اشاره کرد. در سال‌های اخیر تأسیس شوراهای و کمیته‌های ویژه امنیت داخلی (افزون بر نهادهای پلیسی - امنیتی - قضایی متعارف مانند شورای تأمین، شورای امنیت ملی) در کشورهای مختلف نیز به نوبه خود حکایت از دل نگرانی دولتها در تضمین اختصاصی ثبات و امنیت خود و شهروندان در برابر بزهکاران دارد. به عنوان مثال، دولت فرانسه در سال ۲۰۰۲، «شوراهای امنیت و پیشگیری از بزهکاری «را جایگزین» شوراهای پیشگیری از بزهکاری شهرستان و استان»<sup>۲</sup> کرد و «شورای ویژه امنیت و پیشگیری از بزهکاری پاریس» را برای پایتخت<sup>۳</sup> ایجاد نمود و بدین سان با آوردن واژه امنیت در ابتدای عنوان این شوراهای و در کنار هم قرار دادن امنیت - پیشگیری، در واقع، پیشگیری از بزهکاری را وسیله‌ای برای تأمین امنیت جامعه در برابر بزهکاران در نظر گرفت.

۱. لازر، سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات یلد، ۱۳۷۵، صص ۱۲۶ - ۱۳۳ و بعد؛ لازر، درآمدی بر سیاست جنایی، نشر میزان، ۱۳۹۰، صص ۱۵۳ - ۱۵۸.

2. Gassin, R., Criminologie, 7e éd., Dalloz, 2011, p. 847.

علیه جرم جستجو کرد: جرم‌شناسی در یکی از شاخه‌های کاربردی خود، یعنی جرم‌شناسی سیاست جنایی، نسبت به مجموعه سازوکارهای کنترل اجتماعی جرم و انحراف، شامل مراحل تنظیم و تصویب قوانین و مقررات کیفری، اعمال و اجرای آنها توسط نهادهای مختلف عدالت کیفری و تدابیر پیشگیری وضعی و اجتماعی از بزهکاری و ترمیم بزهديدگان و بازپروری بزهکاران یک رویکرد انتقادی و ارزیابی کننده دارد، در حالی که امنیت شناسی صرفاً بر اقدام کنشگران و کارگزاران خط اول، یعنی مجموعه فعالیت و اقدامات کاربردی می‌کند و بدین ترتیب، به اقدامات کنشگران اصطلاحاً خط دوم مقابله با بزهکاری تکیه می‌کند، از سوی دیگر، نهادهای متولی اجرا و سوم، یعنی، از یک سو، قضات دادگاهها و از سوی دیگر، نهادهای متولی اجراء و اعمال ضمانت اجراءات کیفری (سازمان زندان‌ها و عوامل ناظر به تعليق مراقبتی و آزمایشی) و افزون بر آن، به اقدامات کنشگران و مجریان ملی و محلی اقدامات پیشگیری از بزهکاری نمی‌پردازد.

استاد گسن، با توجه به این تفاوت‌ها، در نهایت معتقد است که امنیت شناسی، یعنی علم مطالعه امنیت داخلی در برابر تهدیدهای مجرمانه جمعی و فردی با جرم‌شناسی ارتباط زیادی ندارد و بیشتر در چارچوب علوم سیاسی قرار می‌گیرد، زیرا همانطور که موضوع رشتۀ اخیر «مطالعه شیوه‌ای» است که به موجب آن، انسان‌ها نهادهای حاکم بر زندگی مشترک خود و اندیشه‌هایی که مبنای تضمین انتظام اجتماعی توسط این نهادها قرار می‌گیرند را درک، تصور و به کار می‌برند، امنیت شناسی هم بررسی شیوه‌ای است که بر اساس آن، کنشگران خط اول (یعنی پلیس به عنوان یکی از نهادهای حاکم بر زندگی اجتماعی)، اقدامات تأمین امنیت و دفع تهدیدهای مجرمانه علیه اشخاص و اموال را تعریف، تعیین و اعمال می‌کنند.<sup>۱</sup>

۳-۲. با وجود این، استاد گسن معتقد است که بین این دو رشتۀ میان دو روابطی وجود داشته باشد: امنیت شناسی از دستاوردها و شناختهای نظری جرم‌شناسی برای درک، تعریف و تعیین تهدیدات مجرمانه علیه امنیت داخلی (مانند جرائم تروریستی، جرایم سازمان یافته، قاچاق مواد مخدر، آدمربایی، قاچاق انسان، قاچاق تسليحات،

پلیس ملی (دولتی) و به طور کلی تر، ضابطان عام و خاص و خواه پلیس خصوصی است؛ سوم، هدف این فعالیت و اقدام پلیس، تضمین امنیت اشخاص و اموال، یعنی امنیت عینی و امنیت ذهنی اشخاص (احساس امنیت آنان) است؛ و در نهایت، آماج اقدامات معمول برای تأمین امنیت، انواع خطرهایی است که اموال و اشخاص را به این جهت که به صورت جمعی در جامعه زندگی و کار می‌کنند، در معرض تهدید قرار می‌دهند. این خطرها ممکن است فردی یا سازمان یافته، شدید یا خفیف باشند و اشکال مجرمانه مختلفی به خود گیرند. استاد گسن این دانش تجربی را که به نظر وی در حال شکل‌گیری و در آستانه تبدیل به یک رشتۀ مطالعاتی مستقل است، «امنیت شناسی»<sup>۲</sup> نام نهاده است.<sup>۳</sup> پرسش مهمی که مطرح می‌شود این است که آیا امنیت شناسی، فصلی از جرم‌شناسی کاربردی نیست و با جرم‌شناسی سیاست جنایی،<sup>۴</sup> جرم‌شناسی پیشگیری و جرم‌شناسی بالینی (شاخه‌های مختلف جرم‌شناسی کاربردی به نظر استاد گسن)، که جملگی با یافته‌های خود، امر مقابله سلبی و ایجابی با بزهکاری، یعنی تامین امنیت داخلی را سنجیده و علمی می‌کنند، شباهت‌هایی ندارد؟ در پاسخ به این پرسش، استاد گسن ابتدا تفاوت‌های امنیت شناسی با جرم‌شناسی را مشخص می‌کند و سپس به روابط بین این دو می‌پردازد.

۱-۳. وی در مورد تفاوت‌های میان این دو رشتۀ معتقد است که موضوع جرم‌شناسی، تبیین علمی پدیده مجرمانه فردی و جمعی و در نهایت ارزیابی اعتبار علمی سازوکارهای سیاست جنایی از منظر جرم‌شناسی است، حال آنکه امنیت شناسی به شرحی که گفته شد، عمدها شامل اقدامات معمول برای مبارزه با تهدیدهای مجرمانه‌ای می‌شود که امنیت جامعه را به خطر می‌اندازد. به تعبیر دیگر، جرم‌شناسی یک رشتۀ تبیینی و تأملاتی است، در صورتی که امنیت شناسی شامل «اقدام» و «فعالیت» می‌شود و یک رشتۀ عملی است. تفاوت عده‌های دوم را باید در چگونگی اقدام

1. La sécuritologie= securitology

2. Gassin, R., op.cit., P. 32.

۳. این رشتۀ از جرم‌شناسی کاربردی قبل، تحت عنوان جرم‌شناسی حقوقی مطرح می‌شده است به «جرائم‌شناسی سیاست جنایی» باید «جرائم‌شناسی حقوق کیفری» را نیز افزود. بررسی اعتبار و ارزش علمی نهادها و سازمانی کارهای سیاست جنایی و حقوق کیفری، از منظر نظریه‌ها و ای جرم‌شناسی، موضوع دو جرم‌شناسی سیاست جنایی و حقوق کیفری را تشکیل می‌دهد.

آورانه از جرم می‌دهد (جرائم‌شناسی امنیت‌مدار). اگرچه پرسش اصلی نویسنده‌گان «رساله امنیت داخلی» این است که جوامع مردم‌سالار، چگونه می‌توانند امنیت خود را در عین رعایت حقوق و آزادی‌های فردی تضمین کنند، ولی ناگفته بیدا است که تکیه و تأکید آنها، بیشتر بر نظم عمومی، ثبات حاکمیت و امنیت مردم و اموال آنها در مقابل مجرمان است و بنابراین بحث اصلاح بزهکاران و پیشگیری اجتماعی از جرم (و به طور کلی رویکرد بالینی به جرم و مجرم) در مطالعات امنیت شناختی آنها جایگاه زیادی ندارد. امنیت شناسان به این پرسش اساسی که بخشی از بزهکاران ممکن است خود، قربانی نوع حکمرانی دولتها و مدیریت عدالت کیفری، به ویژه قربانی رفتارها، برنامه‌ها و طرح‌های مقطعي - ضربتی و بیشتر عوام زده امنیت پلیسی و شبه پلیسی و از همه مهمتر، محصول جامعه‌ای باشند که در آن پرورش یافته‌اند، اعتنای زیادی نمی‌کنند. بدین سان، ملاحظات تأمین امنیت داخلی در برابر تهدیدهای مجرمان، در عمل، دستاوردهای حقوق بشری عدالت کیفری و دستاوردهای علمی جرم‌شناسی نظری و جرم‌شناسی کاربردی را تا اندازه زیادی کمرنگ کرده است.

۵- هربرت پاکر (H. Packer)، استاد سابق دانشگاه استنفورد، در زمینه فرایند کیفری با که بی ارتباط با بحث ما نیست، معتقد است<sup>1</sup> که دو مدل بر حسب نظام سیاسی یا دولت و مجلس حاکم در یک کشور، با یکدیگر رقابت و گاه در مواردی همزیستی می‌کنند: مدل کترول جرم یا مدل کیفری<sup>2</sup> و مدل عدالت، مدل کرامت‌مدار یا مدل دادرسی عادلانه.<sup>3</sup> هدف اولیه در مدل کترول جرم عدالت کیفری حمایت از حقوق شهروندان قانون‌گرا با سرکوب رفتار مجرمانه با هدف اولویت دادن به ارتقای کمی و کیفی امنیت اشخاص و اموال آنان است. در این مدل، هدف اصلی نظام عدالت کیفری، تقویت مبارزه علیه مجرمان، حتی به بهای محکوم کردن احتمالی افراد بیگناه است. بدین ترتیب، تأمین امنیت در گرو تقویت اختیارات ضابطان عام و خاص و در نهایت تشدید سخت‌گیری و سرکوب کیفری است. در مقابل، مدل عدالت یا مدل

قاچاق مهاجران و بزهکاری اقتصادی) و چگونگی صفات آرایی و به عبارت دیگر، تنظیم آرایش کُنشی و واکنشی علیه آنها استفاده می‌کند. در مقابل، امنیت شناسی سهم مهمی در تحول و ارتقای کارایی جرم‌شناسی سیاست جنایی دارد؛ بدین معنا که امنیت شناسی با توصیف اقدام‌های متنوع داخلی برای تأمین امنیت در برابر تهدیدهای مجرمانه و ارزیابی کارایی آنها، یافته‌ها و اطلاعات تحلیلی زیادی به جرم‌شناسی کاربردی می‌دهد و در نهایت رسالت ارزیابی کننده جرم‌شناسی سیاست جنایی را از نظر علمی تغذیه و متحول می‌کند. برای مثال، از آنجا که استفاده از دوربین‌ها و تلویزیون‌های مداریسته و به طور کلی نظارت الکترونیکی، به عنوان یکی از شیوه‌های پیشگیری وضعی فن آورانه از بزهکاری در مکان‌های عمومی و خصوصی، در اغلب کشورها معمول شده است، امنیت شناسی با بررسی انواع پایش‌های فن آورانه و برآورده کارنامه آن، در واقع جرم‌شناسی پیشگیری را از نتایج چنین پایش‌هایی مطلع و بنابراین جهت‌گیری‌ها و ساز و کارهای آن را متحول می‌کند. امنیت شناسی برای تنظیم آرایش و صفات آرایی (یا به تعییر آشناتر) مقابله سنجیده در برابر مجرمان و تهدیدهای مجرمانه ای که امنیت جامعه را به خطر می‌اندازند نیز نیازمند کسب شناخت از شخصیت مجرمان، کیفیت و میزان تکرار جرم، سازمان‌های جنایی و جرایم سازمان یافته، جرایم تروریستی، جرایم اقتصادی، جرایم شهرک‌ها و حومه‌های کلان‌شهرها، جرایم سایبری و ... است که ناگزیر باید به یافته‌ها، نظریه‌ها و مطالعات جرم‌شناسی متولّ شود.

۴. بدین ترتیب، دل نگرانی دولتها برای تأمین امنیت شهر وندان و قربانیان بالقوه بزهکاری، محور مطالعاتی بعضی جرم‌شناسان را نیز متأثر کرده و آنان را به سمت مطالعات امنیت شناختی سوق داده است، چندانکه مطالعات جرم‌شناسی به مطالعات امنیت با تکیه بر برنامه‌ها و اقدام‌های کشگران پلیسی - امنیتی منتقل شده است. این تعییر رویکرد، آرایش و جهت‌گیری‌های سیاست جنایی را نیز تحت الشعاع خود قرار داده است، چنان که تضمین امنیت حقوقی - قضایی، یعنی رعایت حقوق و آزادی‌های شهر وندان و حقوق مظنون، متهم و مجرم تحت الشعاع تضمین امنیت جسمانی و مالی شهر وندان و نظم عمومی (حقوق کیفری امنیت‌مدار) قرار گرفته و پیشگیری اجتماعی از بزهکاری به تدریج جای خود را به پیشگیری «محل‌دکننده» وضعی - فنی - فن -

1. Larine Gelsthorpe, Crime controle model, Due Process model, in, The sage Dictionary of criminology, 2001, pp. 61 - 62 and pp. 104 - 106.

2. Crime Controle Model.

3. Due Process Model.

مداخله‌های پلیسی - قضایی کارگزاران عدالت کیفری و کنشگران پیشگیری نیز برخوردارند. تضمین این حق نیز که به عنوان یکی از حقوق بشری در استناد بین‌المللی و قوانین اساسی پیش بینی شده،<sup>۱</sup> به عهده دولت‌ها گذاشته شده است. حق بر تأمین (امنیت حقوقی - قضایی)<sup>۲</sup> در واقع، تضمین حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی و جمعی در برابر تصمیم‌ها و اقدام‌های غیر قانونی و خودکامه عوامل دولت است، در حالی که حق بر امنیت، حمایت کُنشی و واکنشی از اشخاص و اموال در برابر جرائم و مجرمان است. بدین سان، تضمین حق بر امنیت نمی‌تواند نقض حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان را از گذر مداخلات خودسرانه عوامل پلیسی و قضایی در حقوق و زندگی خصوصی (خلوت) مردم، به طور کلی و حقوق مشروع مظنون، متهم و مجرم، به طور خاص توجیه کند.

به بیان دیگر، اگر چه امنیت شناسی در مقام مطالعه تجربی جنبه‌های مختلف امنیت داخلی، یعنی چگونگی تحقق بخشیدن به امنیت مردم در مقابل تهدیدهای مجرمانه داخلی و بیش از پیش تهدیدهای مجرمانه فرامانی یعنی «جرائم جهانی شده» است،<sup>۳</sup> لیکن بررسی جنبه دیگر امنیت، یعنی امنیت حقوقی - قضایی شهروندان نیز در برابر اقدام‌های پلیس و تصمیم‌های قضات و به طور کلی حاکمیت مهم می‌نماید. زیرا، عدم رعایت حق شهروندان بر تأمین، توسط نهادهای پلیسی دولتی و خصوصی، خود، از یک سو نوعی ناامنی در پی دارد و از سوی دیگر، زمینه بی‌اعتمادی مردم متقاضی

۱. به عنوان مثال ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، اشعار می‌دارد: «هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد».

۲. ماده ۹ میانجی بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی: «هر کس خود آزادی و امنیت دارد. هیچ کس را نمی‌توان خودسرانه دستگیر یا بازداشت نمود. از هیچ کس نمی‌توان سلب آزادی کرد، مگر به جهات و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون».

۳. ماده ۵ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر: «هر کس حق آزادی و امنیت شخصی دارد ...». بند ۱۴ اصل ۳ قانون ج.: «تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی ممده در برابر قانون». اصل ۹ قانون اساسی ج.: «... هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند».

۴. در این مورد رک. روحانی، حسن، (زیر نظر)، امنیت قضایی (مجموعه مقالات)، پژوهشکده تحقیقات راهبردی، مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۰.

۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، جهانی شدن برهکاری، دیباچه بر: «ذلقی، عباس، قاچاق انسان در سیاست جنایی ایران و اسناد بین‌المللی، نشر میزان، چاپ اول، سال ۱۳۸۹، ص ۱۸ - ۱۳».

کرامت محور، قضات کیفری را داوران بی‌طرفی می‌داند که به اختلافهای مردم باهم، از یک سو و مردم با دولت، از سوی دیگر رسیدگی می‌کنند. این مدل به حمایت از حقوق متهمن و به طور خاص اولویت دادن به تضمین حقوق طرفهای جرم، یعنی برابری سلاح‌ها (دادرسی عادلانه و رفتار کرامت‌مدار با بزه‌دیده) تأکید می‌کند و می‌پذیرد که رعایت بی‌طرفی در مراحل پلیسی و قضایی و نیز عادلانه بودن نظام کیفری ممکن است به قیمت تبرهه یا فرار چند مجرم از پنجه عدالت و کیفر تمام شود. به نظر می‌رسد که محصول مدل اخیر، امنیت پایدار و مشروع در پرتو پیشگیری عادلانه<sup>۱</sup> و بازپروری عادلانه بزهکاران<sup>۲</sup> باشد، حال آن که امنیت حاصل از مدل کترول جرم در واقع منوط به استمرار سختگیری کیفری در مفهوم موسع آن و اعمال بی‌وقفه سیاست تعقیب متهمن و مصرف بی‌تناسب ضمانت اجراء‌های کیفری و در نهایت تغذیه و تقویت مدام مزادخانه کیفری و جرایم و برای کاهش تهدیدهای جنایی است. بدین ترتیب، آنچه امروزه بیش از پیش در سطح سیاست جنایی مشاهده می‌شود، در واقع، «جدال مدل آزادی محور با مدل امنیت‌مدار» است.

۶. کتاب پیش رو، اثر خاتم سودابه رضوانی، دانشجوی با انگیزه، پر تلاش و با پشتکار دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، به محدودیت‌های حقوق بشری سیاست مدیریت ریسک تکرار جرم، یعنی مهار مجرمان خط‌نماک از گذر توان گیری کیفری - جرم شناختی از آنها، با هدف تضمین امنیت جامعه پرداخته است.

نویسنده محترم، ایرادهای حقوق بشری و خلاصهای تضمینی حقوق متهمن و مجرم را در رویه قضایی و یا سیاست تقینی بررسی کرده است. نویسنده، در واقع، می‌خواهد یادآوری کند که: اگرچه حق بر امنیت باید در اولویت قرار داده شود تا امنیت جانی و مالی شهروندان با نظام کیفری و پیشگیری تضمین شود، لیکن نباید فراموش کرد که همین شهروندان از حق دیگری یعنی حق بر تأمین<sup>۳</sup> (امنیت حقوقی - قضایی) در برابر

۱. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، پیشگیری عادلانه از جرم، علوم جنایی (مجموعه مقالات بزرگداشت استاد دکtor محمد آشوری)، انتشارات سمت، چاپ دوم، سال ۱۳۸۸.

۲. ابراهیمی، شهرام، بازپروری عادلانه، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، زیر چاپ در سال ۱۳۹۱.

۳. The Right to surety - Le droit à La sûreté

## ۲۰ مدیریت انسان مدار ریسک جرم

امنیت را نسبت به مشروعیت اقدام‌های معمول برای تضمین حق بر امنیت آنان فراهم می‌کند. برقراری تعادل در تضمین این دو حق بینایدین است که، خود امنیت آور است. بدین ترتیب، آیا نمی‌توان در برابر امنیت شناسی مورد نظر نویسنده‌گان «رساله امنیت داخلی» که بهتر است آن را/امنیت شناسی پلیسی نامید، سخن از امنیت شناسی قضایی به میان آورد که شامل مطالعه اقدام‌ها و تصمیم‌هایی می‌شود که کُنشگران و کارگزاران خط دوم و سوم به منظور حفاظت از شهروندان در مقابل خطرهای مرتبط با زندگی اجتماعی (بزهکاری) اتخاذ و اعمال می‌کنند؟

علی حسین نجفی ابرندآبادی  
تهران، ۱۹ خرداد ۱۳۹۱ خورشیدی